

عنوان مقاله:

دولت ممتنع: خوانش انتقادی نظریه امتناع دولت مدرن اسلامی حلاق

محل انتشار:

فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، دوره 19، شماره 58 (سال: 1397)

تعداد صفحات اصل مقاله: 32

نویسندگان:

مهدی مرادی برلیان - دانشگاه شهید بهشتی - پژوهشگاه قوه قضائیه

سیدعلی رضا حسینی بهشتی - دانشگاه تربیت مدرس

سید محمد قاری سیدفاطمی - دانشگاه شهید بهشتی

خلاصه مقاله:

پاسخ به پرسش دولت مدرن و اسلام؛ تعارض یا سازگاری که خود بخش مهمی از مسئله‌ای فربه‌تر یعنی نسبت میان اندیشه مدرنیته و اسلام است، به توصیف حلاق ساده است؛ دولت اسلامی، با هر خوانشی که از دولت مدرن ارائه شود، ترکیبی ممتنع و البته متناقض ناست. حلاق با برگزیدن قرائت هابزی - اشمیتی از دولت مدرن و توصیفی بیش‌تر اسطوره‌ای و نه کاملاً تاریخی از حکمرانی اسلامی، نتیجه‌ای جز تعارض میان دولت مدرن و حکمرانی اسلامی را حاصل نمی‌کند. این پژوهش با توجه به اهمیت این نظریه بنیادین و ضرورت تبیین آن در ادبیات حقوقی کشورمان، خواهد کوشید که پا را فراتر از مرزهای توصیف نظریه دولت ممتنع بگذارد و با ارائه قرائتی نوکانتی از دولت مدرن به عنوان برداشت رقیب دولت هابزی- اشمیتی، نقدهایی را بر ادعاهای ظاهراً مطلق‌گرایانه حلاق از دولت مدرن وارد آورد. در قرائت نوکانتی از دولت مدرن، هم حاکمیت قانون جایگاه قابل توجه و هم احترام حقیقی به حیثیت انسان خواهد داشت.

کلمات کلیدی:

وائل حلاق، دولت ممتنع، حکمرانی اسلامی، خوانش هابزی، خوانش نوکانتی

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/884829>

